

ما برنده هستیم!

۱ قرننیاں ۱۵ ، ۵۰ تا ۵۸



ای برادران، مقصودم این است که جسم و خون نمی‌تواند وارث پادشاهی خدا شود و آنچه فسادپذیر است، وارث فسادناپذیری نمی‌تواند شد. ⁵¹گوش فرا دهید! رازی را به شما می‌گویم: ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه دگرگونه خواهیم شد. ⁵²در یک آن و در یک چشم به هم زدن، آنگاه که شیپور آخر نواخته شود، این به وقوع خواهد پیوست. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری بر خواهند خاست و ما دگرگونه خواهیم شد. ⁵³زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود. ⁵⁴چون این فسادپذیر، فسادناپذیری را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه آن کلام مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می‌گوید: «مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است ⁵⁵» ای گور، پیروزی تو کجاست؟ و ای مرگ، نیش تو کجا؟ ⁵⁶نیش مرگ گناه است و نیروی گناه، شریعت. ⁵⁷اما شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد. ⁵⁸پس، برادران عزیزم، ثابت و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می‌دانید زحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

در سال ۲۰۱۴ آلمان در مسابقه هیجان انگیز مقابل برزیل پیروز شد! کل آلمان شاد بود! کنسرت های هورن در سراسر آلمان بود. انسان در خیابان آواز خواند، و تا ساعات صبح جشن گرفتند. یک نفر حتی یک برزنت بزرگ را در گورستان آویزان کرد: در آن نوشت: "تو نمی‌دانی چه چیزی را از دست داده بودید!" همه در این جشنواره شرکت کردند. پیروزی تیم آلمان نه تنها یک پیروزی برای ۱۱ ورزشکار بود، بلکه هر آلمانی در آن روز خود را برنده شمرد. ما می‌دانیم که شرایط پس از جام جهانی ۲۰۱۴ نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد. پس از بالا آمدن پایین دیگری آمد. در مورد فوتبال هم همینطور است. گاهی اوقات در اوج هستید، گاهی اوقات در پایین هستید. وقتی آلمان پیروز شد، همه می‌گفتند ما برنده هستیم! حتی مردگان هم اجازه داشتند در این جشن شرکت کنند. وقتی آلمان سقوط کرد، تیم مقصر دیده شده بود. هیچ کس نمی‌خواست با شکست آنها شرکت کند. کسی می‌خواهد نتیجه آن را در اسرع وقت فراموش کند و کاری با آن نداشته باشد. عید پاک مانند یک پیروزی بزرگ است! پروردگار ما عیسی بر گناه، مرگ و شیطان پیروز شد. و همه ما می‌توانیم در پیروزی عیسی شریک باشیم. ما باید به خیابان ها و گوشه ها برویم و کنسرت های گوناگون برگزار کنیم و با استفاده از انواع رسانه ها این خبر را به همه منتقل کنیم: و ما در آنجا چه می‌گوییم؟ رستاخیز به راستی برای مردگان و زندگان است رستاخیز حتی زمانی که ما در مقام پایین هستیم صدق می‌کند. رستاخیز کل زندگی ما را تغییر می‌دهد.

۱. پیروزی برای همه

زمانی که آلمان مقابل برزیل پیروز شد، گفتیم: «ما برنده شدیم.» البته این یک احساس است که تنها در ذهن داریم. هر کس می‌داند که هر شخص مقابل برزیلی ها فوتبال بازی نکرد و خودش پیروز نشد. اما پیروزی عیسی بر مرگ واقعاً فرق دارد. بدن پروردگار ما که زنده شده در ارتباط مستقیم با بدن ماست که زنده خواهد شد. پولس حتی می‌گوید: اگر به رستاخیز خود ایمان ندارید، ایمان شما به مسیح بیهوده است و ما فقیرترین مردم هستیم. هنگامی که عیسی در دعای خود کمی قبل از مصلوب شدن وی برای کلیسا دعا کرد، ابتدا برای شاگردان دعا کرد، اما سپس برای همه کسانی که از طریق کلام آنها ایمان می‌آورند دعا کرد. یعنی برای ما دعا کرد. و عیسی می‌گوید که همه ما می‌توانیم یکی باشیم. ما با او یکی خواهیم شد. تمام وجود عیسی به سوی ما جاری شده است. روی صلیب او، مانند قبر خالی او، این کلمات در اهمیت است: "برای تو." در غسل تعمید ما، این کلمه یک بار دیگر بسیار شخصی است: برای تو! سپس هر بار که برای شام آخر به اینجا می‌آییم، این کلام گفته می‌شود: برای تو! عیسی فوتبالیستی نیست که فقط در تلویزیون آن را تحسین کنیم یا اگر خیلی خوش شانس هستیم از دور در زمین فوتبال ببینیم. نه، او شخصاً به ما روی آورده است. و چشمان او آنهایی نیستند که ما را از بالا تا پایین بررسی کنند تا ببینند آیا ما حتی به استانداردهای رسیم یا نه. تیم او فقط سوپرستارها یا مسیحیان فوق العاده نیستند، بلکه برای همه صدق می‌شود. پس خدا دنیا را دوست داشت تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد. همه ما در گور خواهیم ماند، بلکه رستاخیز خواهیم کرد. اما اگر اصلاً آن پیروزی حس نباشید چه خواهد بود؟ اگر در پایین ترین نقطه باشیم چه خواهد بود؟

۲. زندگی ما در رستاخیز مثل چرخ سرنوشت انسان فانی نیست.

در فوتبال ما شاهد فراز و نشیب هستیم، مانند چرخ فلک. البته گاهی زندگی ما هم همینطور است. گاهی ما در اوج زندگی هستیم. ما خوب هستیم، سالم هستیم، دوستان خوبی داریم و همه چیز در خانواده عالی است. پس از آن، بحران پیش می‌آید که دوباره ما را به زمین فرو می‌اندازد. به هر حال مطمئن در زندگی ما بحرانی رخ خواهد داد. هر چه سمنان بالاتر می‌رود ضعیف تر می‌شویم. زندگی همین طور است. مشکل چنین چرخ سرنوشت این است که شما هرگز نمی‌توانید واقعاً خوشحال باشید. وقتی دلم گرفته است، هیچ قدرتی برای امید ندارم. وقتی در اوج هستم، می‌دانم که سقوط باید حتماً بیاید. خدا هرگز نخواسته زندگی ما اینگونه باشد. و سرانجام در رستاخیز عیسی این مسیر چرخ را

خنثی کرد. در رستاخیز عیسی یک نقطه عطف کامل رخ می دهد که همه چیز را معکوس کرد. پولس رسول ابتدا بایستی این موضوع را توضیح داد. او مجبور شد توضیح داد زیرا ما انسان ها نمی توانیم آن را ببینیم و بنابراین نمی توانیم بلافاصله آن را درک کنیم. در آن زمان کلیسایی که پولس برای آن نامه می نوشت، قرننثیان، در حالی که خوب بودند می توانستند به خوبی زندگی کنند. ابتدا به عنوان مسیحیان زمان فوق العاده ای داشت. ما می توانیم در این مورد در کتاب اعمال رسولان بخوانیم. سپس خدا به پولس رسول می گوید که او خانواده بزرگی در قرنت داشت. همینطور بود. قرننثیان یک کلیسای موفق بود. آنها همچنین بیش از هر کس دیگری دارای مواهب معنوی بودند. آنها می توانستند زمان خوش به خوبی تحمل کنند. اما پس از آن اتفاق های بدی نیز پیش آمدند. حتی درخشان ترین در میان آنها مرده اند. و با چشمانشان فقط مرگ را می دیدند. این مردم دفن شدند و دیگر برنخاستند. سوال می کردند: فردی که قبلاً در قبر گذشت چگونه می تواند دوباره زنده شود؟ اما این تنها مشکل آنها نبود. آنها به طور کلی نمی توانستند با شریط ضعف مقابله کنند. سوال می کردند: پس ما در بهشت چه بدنی داریم؟ بدن پیرمرد مریض یا جوان یا زن جوان؟ به هر حال، زندگی مشترک در بهشت چگونه باشد؟ قرننثیان ها دقیقاً طبق الگوی چرخ و فلک زندگی می کردند. آنها فقط به آنچه در زندگی اینجا و اکنون رخ داده بود نگاه می کردند. بالا بودن آسان بود. همه می خواهند در پیروزی سهیم باشند. اما وقتی شکستی رخ داد، ایمان آنها نیز کم رنگ بود. سپس آنها دیگر نمی توانستند پیروزی در عیسی را تصور کنند. این احساس بسته به طبیعت انسان است. برای ما نیز انسانی است که رستاخیز را بر اساس معیارهای فانی درک کنیم. پولس باید مخالفت کند. بدن فانی و وجود زمینی با امیدی که در پیش روی ماست فرق دارد. پولس رسول در سخنرانی خود برای زندگی مبارزه می کند. او توضیح می دهد که تغییر شخصیت از طریق رستاخیز عیسی اتفاق افتاد. مرگ و شیطان فقط یک شخصیت موقتی دارند. «ای مرگ نیش تو کجاست؟ پیروزی شما کجاست؟ او فریاد می زند. به طور معمول، وقتی در مورد نیش صحبت می کنیم، به نیش زنبور فکر می کنیم. کلمه ای که در اینجا استفاده می شود به نوک نیزه از تیر اشاره می کند. پس منظور از سلاح جنگی است. می دانیم که نوک نیزه مرگ در واقع قدرت ماند است. اما بدون این نوک، نیزه فقط یک چوب جارو است که خطرناک نیست. مسیح نوک نیزه را برداشت. حالا وقتی بمیریم مرگ فقط مثل یک جارو است. به همین دلیل است که نمی توانیم مرگ را جدی بگیریم. پولس به ما می گوید: ما متفاوت خواهیم بود، رسول به ما می گوید: فاسد کاشته می شود، فسادناپذیر زنده می شود. این بدان معنی است که ما تغییر خواهیم بود. ... نه مانند تیم فوتبال، که در واقع دیگران هستند که برنده می شوند و ما فقط می توانیم با آنها خوشحال باشیم. نه، همان افرادی که امروز زنده هستند و فیض خداوند ما عیسی را امروز تجربه می کنند، پس از آن زنده خواهند شد، نه دیگران. پولس این پیام را به مردم می گوید. به افرادی که در اینجا و اکنون با بیماری و مرگ سروکار داشتند. افرادی که در واقع در پایین زندگی بودند. این کلمه در مورد آنها نیز صدق می کند. پیروزی عیسی، رستاخیز عیسی، باید پیروزی شما نیز باشد. مسیح سرنوشته مان بر دوش گرفت و به ما زندگی داده است. او نشان داد که در پایان فقط زندگی وجود دارد. مشکلی که پولس رسول با قرننثیان داشت مشکلی است که ما نیز می دانیم. این است که ما نمی توانیم به وضوح ببینیم. مرگ، حتی زمانی که نیش خود را از دست داده باشد، همچنان در درون و اطراف ما حضور است و ما را آزار می کند. مردم مریض می شوند، مردم می میرند. بله، و همانطور که قرننثیان مجبور بودند با بی ایمانی و ایمان کم دست و پنجه نرم کنند، ما نیز همینطور هستیم. این فقط مشکل مرگ در درون و در میان ما نیست، بلکه به طور کلی این گونه است که مردم دیگر نمی توانند حضور خدا را در میان ما و در کلیسای ما باور کنند. شیطان قدرت و نیش مرگ را از دست داده است، اما هنوز صدایش را از دست نداده است. سپس با تمام امکاناتش تلاش می کند تا به ویژه مسیحیان را متقاعد کند که رستاخیز نمی تواند درست باشد. اما هرکس که به رستاخیز اعتقاد نداشته باشد، معنای کل مسیحیت را از دست داده است. هرکسی که دیگر نمی تواند درباره رستاخیز موعظه کند، فقط می تواند درباره این زندگی صحبت کند. پس ما به عنوان یک کلیسا بهتر از هیچ انجمن دیگری نیستیم. همچنین ممکن است یک سخنرانی سیاسی یا رویداد دیگری با هدف بهبود زندگی انسان ارائه دهیم. وظیفه اصلی ما این است که در مورد امید به رستاخیز از طریق عیسی مسیح صحبت می کنیم. ما باید در مقابل صدای بلند شیطان بایستیم. همه باید آن را بدانند. پیام رستاخیز باید اعلام شود. ما باید علیه مرگ و علیه شیطان تظاهرات کنیم. ما همچنین باید در برابر ناامیدی که در سراسر جهان گسترش یافته است شورش کنیم و در مقابل آنها امید را به ارمغان بیاوریم. تحت هیچ شرایطی اجازه ندهیم ناامیدی در بین ما گسترش یابد. می توان گفت که مسیح این حق را برای ما به دست آورده است و بنابراین معتبر است و نمی توان به سادگی با یک شایعه نادرست آن را باطل کرد. هر جا که مردم امید هستند باید به آنها اعلام کنیم که شیطان، مرگ و تمام رنج های دنیا، مانند چوب جارویی است که می تواند ما را بترساند، زیرا گاهی شبیه به یک اسلحه خطرناک به نظر می رسد. اما واقعاً نمی تواند آسیبی وارد کند. ما باید به مردم بگوییم که زندگی مانند یک فیلم هیجان انگیز فوتبال بوده است ... اما اکنون پیروزی قطعی است ... عیسی برنده است ... ما برنده هستیم. آمین